

موازنه نرم؛ نگاه چینی به تقابل ایالات متحده امریکا با جمهوری اسلامی ایران

محمد عباسی^۱

حسین بابایی^۲

چکیده:

دو کشور ایران و چین از امکانات بالفعل و بالقوه وسیعی برای گسترش مناسبات خود برخوردارند. در این میان رابطه چین با ج.ا.ا و شیوه تعاملی آن با ایالات متحده دارای اهمیت و قابل بررسی است. روابط ایران با چین به گونه‌ای روزافزون در کلیت سیاست خارجی ایران اهمیت می‌یابد. برخی هم‌پوشانی‌ها در سیاست خارجی دو کشور، مبادلات اقتصادی، نظامی و همکاری در حوزه انرژی، عوامل توسعه بخش روابط دو کشورند. از دیگر سو، انتخاب راهبردی چین و روابط همکاری‌جویانه این کشور با قدرت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده امریکا، عوامل محدودکننده این روابط به شمار می‌آیند. از این رو، به سبب بررسی میزان پاسخگویی این تعامل بر تهدیدات امنیتی - نظامی غرب در مناقشه غرب با ج.ا.ا؛ نویسندگان مقاله با اتکا به نظریه موازنه نرم و با استفاده از روش تحقیق توصیفی؛ پس از طرح بنیان‌های نظری بحث، شاخص‌های الگوی مفهومی ادبیات نظری را به منظور بررسی، تأیید یا رد فرضیه اصلی در قالب پرسشنامه محقق ساخته با اعتبار مورد قبول «آلفای کرونباخ (۰.۹۳)» به ۱۲۳ نفر اعضای جامعه نمونه منتخب از ۱۸۰ نفر اعضای جامعه آماری متشکل از دیپلمات‌ها و استادان و مجریان سیاست خارجی، امنیت ملی و نظامی آگاه در امر موضوع تحقیق که دارای تحصیلات دست‌کم کارشناسی ارشد بوده و از زمان تشکیل پرونده هسته‌ای تا سال ۱۳۹۲ به‌طور مداوم یا حداقل سه سال (مدت تقریبی یک مأموریت ثابت) در این موضوع دخیل بوده‌اند، انتخاب کرده‌اند. نتایج بحث کاملاً گویای این امر است که رویکرد راهبردی چین در رابطه با ایالات متحده؛ موازنه نرم با تأکید و اولویت بر حوزه اقتصاد بوده و کلیه تعاملات می‌باید بر این اساس تعریف شود. از این رو، طبیعی است که در نگاه چینی به ایران نمی‌توان به‌جز هماهنگی هوشمندانه دیپلماتیک، همکاری‌های محدود نظامی، همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همکاری اقتصادی، آن‌هم با ملاحظات خاص انتظار داشت که کلیه این موارد نیز عناصر موازنه نرم هستند.

کلیدواژه‌ها: نگاه چینی، ایالات متحده امریکا، موازنه نرم، سیاست خارجی، امنیت.

مقدمه

وسعت، جمعیت، تمدن و فرهنگ دیرینه چین، همواره باعث تأثیر ژرف تحولات این کشور بر تحولات منطقه و حتی دنیا بوده و توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است. چین از زمان‌های قدیم کشوری بزرگ، پرجمعیت، دارای اقلیت‌های قومی متعدد، نیروی تولید زیاد و همچنین دارای تضادها و درگیری‌های داخلی و بین‌المللی در عرصه‌های مختلف بوده است که در نتیجه این تجربیات، نه تنها در تمدن چین مجریان راهبردی بزرگی پدید آورده؛ بلکه شمار زیادی از اندیشمندان و متفکران راهبردی را نیز پرورده است که تفکر و اندیشه آن‌ها مورد بهره‌برداری دولت‌مردان این کشور و کشورهای دیگر بوده است. روابط دو کشور ایران و چین از زمان امپراتوری‌های باستان دو سرزمین برقرار گشته است. طی دوره‌های مختلف تاریخ، دچار فراز و فرودهایی شده و به جایگاه کنونی رسیده است (خلیلی، ۱۳۸۲: ۱۲). با توجه به ظرفیت‌های موجود در گسترش روابط بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، همچون گذشته این همکاری و رابطه در سطوح مختلف به شکل گسترده‌تری ادامه خواهد یافت و در شرایط موجود با توجه به عضویت دائم چین در شورای امنیت سازمان ملل متحد، بهترین فرصت برای جمهوری اسلامی ایران است که بتواند از این روابط در جهت کاهش فشارهای موجود، حداکثر بهره‌برداری را بنماید و همچنین فرصتی که برای چین در تداوم این رابطه وجود دارد، تأمین انرژی و همچنین در دست داشتن بازار مصرفی ایران در سطحی گسترده است.

بیان مسئله

دو کشور ایران و چین از امکانات بالفعل و بالقوه وسیعی برای گسترش مناسبات خود، به‌ویژه روابط بازرگانی و اقتصادی برخوردارند. روشن است که جمهوری اسلامی ایران با توجه به وسعت خاک، تنوع آب‌وهوا، جمعیت زیاد، تسلط بر سرزمین‌های وسیع و منابع غنی در شمال خلیج فارس و دریای عمان، دارا بودن زیرساخت‌های فکری و مادی لازم برای پیشرفت صنعتی و ویژگی‌های دیگری از این پس، بیش از دیگر کشورهای خاورمیانه از امکانات لازم برای گسترش روابط بازرگانی اقتصادی و فنی با چین برخوردار است. از طرف دیگر کشور چین با طراحی پنج اصل احترام متقابل به حاکمیت ارضی، تجاوز نکردن، مداخله نکردن در امور یکدیگر، برابری و منافع متقابل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز به‌عنوان چراغ راهنمای سیاست خارجی خود از زمان اصلاحات تاکنون (قاضی‌زاده و طالبی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۱۲) و همچنین به علت برخورداری از امکانات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و تجربیات ارزشمند که در طول سال‌ها مبارزات داخلی و نیز مبارزه با استعمارگران خارجی به‌دست آورده؛ امروزه به‌صورت یک قدرت بزرگ در عرصه جهانی تلقی می‌شود. در این میان رابطه چین با ج.ا.ا و شیوه تعاملی آن با کشورهای غربی؛ به‌ویژه

در موضوع پرونده هسته‌ای در قالب ۱+۵ دارای اهمیت و قابل بررسی است. چین به‌عنوان یکی از اعضای دائمی شورای امنیت که از حق وتو برخوردار است و در ضمن در میان قدرت‌های بزرگ نزدیک‌ترین روابط را با جمهوری اسلامی ایران داراست، یکی از تأثیرگذارترین قدرت‌ها در پرونده هسته‌ای ایران تلقی می‌گردد. حال دغدغه ذهنی نویسندگان مقاله ناظر بر این است که کشور چین در تعامل با ج.ا.ا و همچنین گستره وسیع روابط خود با ایالات متحده آمریکا ترجیحات خود را چگونه سامان‌دهی می‌کند و کدام نظریه علمی می‌تواند این رفتار را تبیین نماید؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

برخی پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که طی دو دهه آینده آمریکا و چین حدود ۶۰ درصد از قدرت اقتصادی و ۸۰ درصد قدرت نظامی جهان را در دست خواهند گرفت. روابط ایران با چین به‌گونه‌ای روزافزون در کلیت سیاست خارجی ایران اهمیت می‌یابد. برخی هم‌پوشانی‌ها در سیاست خارجی دو کشور، مبادلات اقتصادی و نظامی و همکاری در حوزه انرژی، عوامل توسعه‌بخش روابط دو کشورند. از دیگر سو انتخاب راهبردی چین و روابط همکاری‌جویانه این کشور با قدرت‌های غربی، عوامل محدودکننده این روابط به شمار می‌آیند. اهمیت این نوشتار از این امر ناشی می‌شود که با بررسی عوامل محدودکننده و توسعه‌بخش روابط چین و ایالات متحده آمریکا می‌توان راهکارهای اجرایی را مشخص نمود تا از خطای شناختی و اتکای نابجا پرهیز نموده و با نگاه برد-برد به منافع مشترک؛ متناسب با جایگاه راهبردی، امنیتی و ژئوپلیتیک دو طرف؛ بتوان تعامل نزدیک بین ایران و چین را توسعه داد.

هدف تحقیق

هدف اصلی مقاله آشکارساختن قدرت نظریه موازنه نرم در بررسی رفتار کشور چین در تقابل ایالات متحده آمریکا علیه ج.ا.ا است.

سؤال و فرضیه

سؤال اصلی مقاله حاضر بدین قرار است که با توجه به کارنامه دیپلماتیک و برنامه‌های راهبردی چین برای تدارک نظم مناسب جهانی؛ در مناسبات و مناقشات ایران - ایالات متحده؛ این کشور از چه وزنی برخوردار است و اصلی‌ترین همگرایی تجاری و همسویی سیاسی با چین چیست؟ در پاسخ به پرسش یادشده، این فرضیه درخور آزمون و احیاناً تأیید است که طی دو دهه اخیر کشور چین در عرصه فراملی، سه تلقی و راهبرد زیر را در پی گرفته است:

- مدیریت تنش با آمریکا و پرهیز از رویارویی به سبک روسی؛
- اولویت شراکت و امنیت اقتصادی از طریق راهبرد پیوند؛

- مسئولیت‌پذیری حقوقی در قبال مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در سطح جهان.

به اقتضای سه راهبرد یادشده به نظر می‌رسد بنیادی‌ترین کارکرد و نقش چین در اقدامات ضد ایرانی امریکا را می‌توان در تعدیل شدت عمل امریکا و تضمین ملاحظات اقتصادی خلاصه نمود.

بررسی ادبیات مرتبط با موضوع

آثاری در قالب کتاب، مقاله در ارتباط با موضوع این پژوهش نوشته شده که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در کتاب «ملاحظات راهبردی چین در قبال ایران هسته‌ای و نظام بین‌الملل» معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل مجمع تشخیص مصلحت نظام، عنوان شده پرونده هسته‌ای ایران پرونده‌ای است که قدرت‌ها و طرف‌های بین‌المللی زیادی را در خود درگیر کرده است. چین یکی از قدرت‌های مهم بین‌المللی است که در این پرونده به ایفای نقش می‌پردازد. ملاحظات راهبردی - امنیتی چین در تعاملات بین‌المللی، پیوندهای کنونی موجود میان تهران و پکن و بررسی نقش ایالات متحده در روابط میان ایران و چین از مهم‌ترین سرفصل‌های این گزارش است که به صورت اخص در زمینه مناقشه هسته‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

در کتاب «رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران»، آقای رحمان قهرمان پور و همکاران عنوان نموده‌اند که از زمان مطرح‌شدن موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۲، قدرت‌های بزرگ؛ یعنی اتحادیه اروپا، امریکا، روسیه و چین بیشترین نقش را در این موضوع در سطح بین‌المللی داشته‌اند تا جایی که به نظر می‌رسد امکان تحرک بازیگران منطقه‌ای در این مورد به کم‌ترین میزان رسیده است.

چارچوب نظری بحث: نظریه موازنه

تلاش‌ها برای فهم نظریه موازنه قوا در روابط بین‌الملل به بیش از پانصد سال پیش بازمی‌گردد؛ از این منظر، شاید هیچ نظریه‌ای به قدمت نظریه موازنه قوا نتوان یافت. افزون بر این موازنه قوا در حوزه مطالعات بین‌الملل و سیاست خارجی بسامد بسیار فراوانی داشته است. در پی این اهمیت و پیشینه است که عده‌ای نظریه موازنه قوا را شناخته‌شده‌ترین و احتمالاً مؤثرترین نظریه موجود برای توضیح ماهیت روابط بین‌الملل از قرن ۱۶ به بعد دانسته‌اند. (Hass, 1953:37)

نبود موازنه سخت در برابر آمریکا پس از جنگ سرد و شکل نگرفتن اتحادیه‌های نظامی در میان قدرت‌های بزرگ رویکردهای رئالیستی و به خصوص نظریه موازنه قوای ساختاری (نئورئالیسم) را با پرسش مهمی مواجه کرده است. کنت والتز در پاسخ به این انتقادات عنوان می‌دارد که ما هنوز باید منتظر ظهور رفتارهای توازن‌بخش در برابر آمریکا باشیم؛ اگرچه شاید این امر با تأخیر

رخ دهد (Waltz, 2000, 14). والتز در پاسخ به آن دسته از اندیشمندانی که به سیطره و برتری آمریکا در نظام جهانی اعتقاد دارند و شکل‌گیری اقتدارگرایانه آمریکا را امری محتوم می‌پندارند و در نتیجه در پی قالب‌های فکری مناسب برای این شرایط برآمده‌اند، دو علت را برای ناپایداری نظام تک‌قطبی بیان می‌کند؛ اولاً قدرت‌های مسلط وظایف متعددی را در فراسوی مرزهای خود پذیرفته‌اند که آن‌ها را در درازمدت تضعیف می‌نماید. ثانیاً به دلیل اینکه قدرت مستقل از اراده تهدیدزاست حتی در صورتی که یک نیروی سلطه‌گر با مدارا و ملایمت رفتار کند، بازهم دولت‌های دیگر در مورد رفتار آینده آن هراسناکند؛ در مجموع از نظر والتز عصر تک‌قطبی آمریکا عصری گذرا و ناپایدار خواهد بود؛ اما تصمیمات ایالات متحده در تعیین اینکه تحولات آینده سیاست بین‌الملل همراه با صلح خواهد بود یا رقابت‌های بسیار شدید، نقش مهمی را بازی می‌کند. (Waltz, 1979: 58) تفکر رئالیستی، در نقطه مقابل لیبرال‌ها، «موازنه» و رفتار توازن‌بخش را به‌عنوان ویژگی حتمی و «اجتناب‌ناپذیر» سیاست بین‌الملل تلقی می‌نماید. باین‌حال هر دو تفکر غالب سنتی سیاست بین‌الملل روی این نکته تأکید دارند که موازنه معلول سیاست‌های تهاجمی اقتدار بالقوه است. تحول در مفهوم قدرت و وضعیت پیچیده کنونی سیاست بین‌الملل، شرایط بسیار سختی را در حوزه عمل و نظر به وجود آورده است. باوجود تمامی نظریه‌های اشاره شده هنوز نارضایتی از الگوهای نظری در تحلیل شرایط جاری بین‌المللی وجود دارد. در پاسخ به این وضعیت، در تازه‌ترین نوآوری نظری، نظریه موازنه نرم مطرح شده که بر دو عامل واپاشی و بازدارندگی حریف تأکید می‌نماید. این‌ها، مجموعه تلاش‌های اخیر است که نظریه‌پردازان بحث موازنه قوا برای افزایش قدرت تبیینی این نظریه در مطالعه جنگ و صلح صورت داده‌اند.

کالین المان^{۴*} معتقد است؛ موازنه، یک سیاست توازن‌جویی طراحی شده برای بهبود و افزایش توانمندی‌ها در راستای دنبال کردن مأموریت‌های نظامی و به‌منظور بازداشتن و شکست یک دولت دیگر است (Elman, 2002: 10-13). راندل شویلر نیز موازنه را این‌گونه تعریف می‌کند: موازنه به معنای ایجاد یا تراکم قدرت نظامی از طریق بسیج داخلی و افزایش توانمندی‌ها یا اتحادهای خارجی در راستای جلوگیری و بازداشتن دیگران از تصرف سرزمین یا تسلط سیاسی و نظامی یک دولت به وسیله یک قدرت یا ائتلاف خارجی است (Levy, 2004: 32-40). مفهوم موازنه نرم ناظر به وضعیتی است که در آن بازیگران از طریق مجموعه اقداماتی نظیر ایجاد فهم محدود مشترک امنیتی، هماهنگی هوشمندانه دیپلماتیک، همکاری‌های نظامی محدود و به‌کارگیری ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی در محدودسازی حریف و شکل‌دهی به نتایجی مخالف ترجیحات وی تلاش می‌کنند؛ به‌عبارت‌دیگر موازنه نرم زمانی رخ می‌دهد که دولت‌ها به‌صورت عمومی توافقات و فهم امنیتی محدود خود با دیگران

4* Colin Elman

را به منظور موازنه با یک دولت تهدیدآمیز یا قدرت در حال خیزش به هم پیوند بزنند. استفن والت در توضیح بحث موازنه نرم می‌نویسد: موازنه نرم، تنظیم آگاهانه کنش دیپلماتیک به منظور به دست آوردن نتایجی برخلاف میل قدرت مسلط است (Walt, 2005: 126-127) بر اساس این تعریف می‌توان گفت؛ موازنه نرم محدود کردن حریف در تحمیل خواسته‌های خود به دیگران است. در همین راستا تعریف دیگری نیز از موازنه نرم ارائه شده که عبارت است از: موازنه نرم اغلب بر اساس یک همکاری و توافق تسلیحاتی محدود، یک همکاری در مناطق مختلف یا نهادهای بین الملل انجام می‌پذیرد (Paul, 2004) (23). نظریه موازنه نرم بر دو مؤلفه غیرنظامی و محدودسازی قدرت استوار است. در این رابطه نیز جودیت کلی^۵ «نبود همکاری‌های راهبردی» را به عنوان موازنه نرم غیرنظامی تعریف می‌کند (Kelly, 2008) (49-42 مطالب مربوط به مباحث موازنه قوا را می‌توان به شکل جدول زیر خلاصه کرد:

تعریف	نظامی	غیرنظامی
موازنه سخت (افزایش قدرت یک دولت در برابر دولت‌های رقیب)	موازنه سخت نظامی موازنه نظامی داخلی: مسابقه تسلیحاتی با بسیج نظلمیان موازنه نظامی خارجی: شکل دهی به اتحادها	موازنه سخت غیرنظامی انتقال فناوری‌های راهبردی به هم‌پیمانان کمک‌های اقتصادی راهبردی به هم‌پیمانان
موازنه نرم (کاهش قدرت نسبی رقبا برای افزایش امنیت خود)	موازنه نرم نظامی فروش تسلیحات به دشمن یک دشمن تلاش برای واپایش تسلیحات و ایجاد رژیم‌های مرتبط برای واپایش دشمن	موازنه نرم غیرنظامی تحریم‌های اقتصادی نبود همکاری‌های راهبردی

جدول ۱: گونه‌شناسی راهبرد موازنه قوا

موازنه نرم چینی در قبال آمریکا

فروپاشی شوروی الگوی روابط راهبردی چین و آمریکا را از دهه ۱۹۹۰ به بعد تغییر داد. چین از ۱۹۹۰ به بعد، به عنوان یکی از بازیگران مهم سیاست بین‌الملل مطرح شد. رشد چشمگیر این کشور در این مقطع زمانی باعث شد سیاستمداران و پژوهشگران، پرسش پیرامون چین و آینده آن را به عنوان پرسش راهبردی قرن بیست و یکم مطرح کنند. پژوهش‌های بسیاری با ارائه آمار و استدلال ثابت می‌کنند چین از ویژگی‌های یک قدرت بزرگ برخوردار است. از منظر موافقان قدرت بزرگ بودن چین، اقتصاد پایه

5. * Judith Kelly

قدرت ملی است و رشد اقتصادی چین از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی خیره کننده بوده است. این رشد اقتصادی سریع، امکانات فراوانی را برای ارتقای قدرت نظامی چین فراهم آورده است که افزایش سریع بودجه نظامی این کشور در سال های اخیر گواهی بر آن است. بنابراین انتظار منطقی آن است که توان نظامی چین در سال های آتی به سرعت رشد یابد. رشد توان نظامی چین، اهداف این کشور در نظام بین الملل را نیز گسترش می دهد. این گسترش به طور طبیعی با موانعی از سوی قدرت های مسلط روبرو خواهد شد (Ikenberry, 2008). طبیعتاً این وضعیت چالشی را در سطح نظام بین الملل به وجود خواهد آورد. افزایش سهم خواهی قدرت نوظهور، ارکان نظم مستقر بین المللی را به چالش کشیده، قدرت های حافظ وضع موجود را وادار می کند تا نسبت به واپایش و مدیریت آن اقدام نمایند. به منظور فهم شیوه های تحلیلی روابط راهبردی آمریکا و چین، لازم است تا قبل از ورود به این نکته توجه شود که بر اساس دیدگاه والتز هراس قدرت های ثانویه در نظام باعث شکل دهی به موازنه می شود و از این منظر هراس چین (و سایر قدرت های بزرگ دیگر) از چیرگی ایالات متحده آمریکا بر نظام جهانی؛ موجب شکل گیری موازنه می شود. در نتیجه، از این رهگذر چگونگی موازنه آمریکا مطابق شکل گیری ائتلاف های بین المللی (با مشارکت چین)، دارای اهمیت است.

فروش تسلیحات چینی و همکاری نظامی با دیگر کشورها از این حیث که باعث افزایش نفوذ سیاسی و همچنین افزایش ضریب امنیتی چین می شود، بسیار برای این کشور دارای اهمیت است. برای مثال: همکاری نظامی چین با پاکستان در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شامل انتقال دانش و فناوری هسته ای و فروش موشک های مختلف به این کشور در حقیقت می تواند گامی در جهت یک بازدارندگی راهبردی یا موازنه در برابر هند در جنوب آسیا ارزیابی شود و همچنین هدف چین از شکل دادن به همکاری های نظامی با عربستان سعودی و سوریه نیز در جهت افزایش وزن و نفوذ سیاسی این کشور در خاورمیانه بوده است یا به نظر می رسد سیاست چین در قبال پرونده هسته ای ایران در همین راستا قابل تأمل باشد:

یک. چین به روابط بلندمدت خویش با ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای مشرف بر خلیج فارس و دریای خزر و همچنین به عنوان منبعی مهم برای تأمین انرژی خویش در آینده ارج می نهد. دو. چین در تعامل گسترده تجاری و بازرگانی با آمریکا و اروپاست و نمی خواهد که در مسیر رسیدگی به پرونده هسته ای ایران به روابط یاد شده که در راستای پیشبرد اهداف راهبردی آن کشور برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت اقتصادی است، لطمه ای وارد شود.

سه. چین در موضع گیری های خود در قبال پرونده هسته ای ایران سعی می کند ضمن پشتیبانی از اصول پیمان منع گسترش تسلیحات هسته ای و جهت آن کشور به عنوان یک قدرت مسئول و در حال ظهور، دچار خدشه نگردد. بر این اساس، چین در موضع گیری های خود در رابطه با بررسی

پرونده هسته‌ای ایران بر حل مسالمت‌آمیز این مسئله تأکید دارد.

اقدامات موازنه‌ای آمریکا در قبال چین

حامیان راهبرد مهار که بیشتر در بین مکتب واقع‌گرایی هستند، معتقدند که چین به‌زودی به‌عنوان یک چالشگر اساسی برای منافع آمریکا در شرق آسیا ظهور می‌کند و رقابت بین دو قدرت بزرگ چین و آمریکا اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از این‌رو برای توقف خیزش چین و آمادگی برای ستیز با چین، مقامات آمریکایی باید همان راهبرد مهاری را که ایالات‌متحده در برابر شوروی سابق اتخاذ کرده بود، در مقابل چین اتخاذ کند (Bernstein and Munro, 1995: 28-36)؛ اما حامیان سیاست تعامل از چشم‌اندازی لیبرالی معتقدند که چین می‌تواند از طریق فرایند اجتماعی شدن، در جامعه بین‌المللی هضم شود و اتخاذ راهبرد موازنه قوا در برابر چین ضرورتی ندارد؛ چراکه وابستگی متقابل اقتصادی مسلماً ایجاد ثبات در نظام‌هایی را تضمین می‌کند. ایالات‌متحده نیز باید از طریق سیاست تعامل هم در زمینه اقتصادی و هم در زمینه مسائل راهبردی، چین را به درگیری بیشتر در جامعه بین‌المللی وادار کند (Mahbubani, 1995: 80-103) آن دسته از پژوهشگرانی را که به راهبردهای مهار اعتقاد دارند می‌توان در حوزه نرم و سخت نیز جا داد. طرفداران موازنه سخت معتقدند که ایالات‌متحده آمریکا باید به‌وسیله تقویت قدرت نظامی خود و گسترش شکاف قدرت بین این کشور و چین، تلاش نماید تا مبادرت به مهار چین نماید. از طرف دیگر معتقدان به موازنه نرم، معتقدند آمریکا باید از طریق تحلیل قدرت چین مانع از رشد جایگاه این کشور در سلسله مراتب نظام بین‌الملل شود. در مقابل این دیدگاه، معتقدان به تعامل با چین بر این باورند که رشد روابط اقتصادی و جذابیت‌های این حوزه می‌تواند خیزش چین را بدون به چالش کشیدن اساسی برتری و تسلط آمریکا مدیریت کند.

فروپاشی شوروی عملاً باعث شد تا پژوهشگران سیاست بین‌الملل از مفاهیمی چون جهان تک‌قطبی و یا نفوق و برتری آمریکا سخن به میان آورند. سیاستمداران این کشور نیز با این پندار که جهان از یک مرکز قدرت برخوردار است، بر آن شدند تا راهبرد مناسب را طرح‌ریزی و به اجرا درآورند. فرصت به وجود آمده جولانگاه اندیشه تازه‌محافظه‌کارانی شد که از مدت‌ها قبل، ریاست آمریکا بر جهان را نوید داده بودند. کانون این تفکر - که بین نظریه‌پردازان پنتاگون از بیشترین پذیرش برخوردار بود - تثبیت و گسترش اقتدار آمریکا در نظام بین‌الملل بود. تحقق این مهم در گرو جلوگیری از ظهور هرگونه رقیب قدرتمند بود. در سال ۲۰۰۱ آمریکا اعلام کرد که این کشور در پی حفظ موازنه قوایی است که پس از جنگ سرد به وجود آمده است. این وضعیت نسبی قدرت، شرایط مطلوبی را برای آمریکا در مناطق حساس بین‌المللی چون آسیای جنوب شرقی و به‌ویژه خلیج فارس و خاورمیانه به وجود آورد. هرگونه چالش در این مناطق که به تغییر موقعیت و

وضعیت تناسب قدرت موجود بینجامد، در نتیجه مقابله با چین، واپایش و مهار این کشور و نحوه تنظیم روابط با آن از عمده‌ترین موضوعات محسوب می‌شوند. گزینه‌های آمریکا در مقابله با چین عبارتند از: درگیرسازی دیپلماتیک و اقتصادی چین، ترغیب و تشویق کشورهای منطقه به موازنه چین، استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های منطقه‌ای، موازنه دور از ساحل و جلوگیری از دسترسی چین به فناوری برتر نظامی.

آمریکا از زمان آغاز سیاست اصلاحات و درهای باز در چین (۱۹۷۸) درگیرسازی دیپلماتیک و گسترش روابط اقتصادی را به‌عنوان ابزار مهم کنترل و مدیریت این کشور مورد توجه قرار داده است. بر این اساس، آمریکایی‌ها تلاش زیادی داشته‌اند تا از طریق ایجاد منافع اقتصادی و افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی؛ مبادرت به واپایش و مدیریت رفتار سیاست خارجی چین نمایند. حجم گسترده روابط اقتصادی بین دو کشور نیروها و سازمان‌های بسیار زیادی را درگیر ساخته و عملاً ساختار تصمیم‌گیری را دارای پیچیدگی زیادی کرده است. این امر باعث شده تا تصمیمات از یک منطبق خاص پیروی کرده و زمینه اتخاذ تصمیمات عجولانه و غیر برنامه‌ریزی شده از بین برود. درگیرسازی همه‌جانبه چین از طریق وارد کردن آن در شبکه‌ای از مبادلات و روابط پایدار و بلندمدت، موجب ایجاد پیوندهای عمیق آن با ایالات متحده آمریکا و جامعه بین‌المللی شده و زمینه بازتعریف مناطق و هویت این کشور فراهم می‌گردد. افزون بر این، فعال‌سازی چین در نهادهای بین‌المللی و متعهدسازی این کشور به سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی از اهداف مهم آمریکایی‌ها به حساب می‌آید. هدف اصلی آمریکا از فروش تسلیحات به تایوان پرداختن به راهبردی موازنه نرم با چین و تضعیف و تحلیل بردن توانمندی نظامی و جایگاه و قدرت نسبی این کشور در تنگه تایوان است. یکی از مقامات آمریکایی فروش تسلیحات به تایوان را این‌گونه توجیه می‌کند که «موازنه قوا در تنگه تایوان به نفع چین در حال تغییر است» و ایالات متحد می‌خواهد این تعادل و توازن را برگرداند (Garrison, 2005:85). ولی با توجه به شکاف قدرتی که بین ایالات متحده و چین وجود دارد و همچنین با توجه به افزایش وابستگی‌های متقابل اقتصادی و هزینه‌بر شدن موازنه سخت نظامی، آمریکا در تلاش است تا این امر را از طریق اتخاذ راهبرد موازنه نرم به انجام برساند. اگرچه که استفاده از موازنه سخت شاید در آینده و با توجه به خیزش چشمگیر چین و تهدیدی که این کشور برای منافع آمریکا می‌تواند داشته باشد نیز چندان بعید به نظر نمی‌رسد.

روش اجرای پژوهش

روش تحقیق توصیفی _ علی است و برای روش گردآوری اطلاعات از دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی بهره گرفته شده و از پرسشنامه محقق ساخته با روایی و اعتبار معتبر و امکانات کتابخانه‌ای و اینترنتی به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده و نتیجه با روش کیفی (استدلالی) و کمی

(آمار توصیفی) تحلیل شده است.

جامعه آماری:

در دنیای پر تحول و پرشتاب امروزی آمار از آن جهت که ابزار مهمی برای توصیف و تحلیل داده، به‌ویژه در زمینه‌های پژوهشی، است، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱) جامعه عبارت است از مجموعه‌ای از اعضاء افراد و اشیایی که دست‌کم دارای یک ویژگی مشترک باشد. (خورشیدی، ۱۳۸۶: ۱۳۲) با توجه به ماهیت و سطح تحقیق و لزوم آشنایی نسبی جامعه آماری با مباحث تحقیق، نیاز است از جامعه آماری کاملاً تخصصی استفاده شود؛ از این‌رو جامعه آماری پژوهش حاضر برابر جدول زیر از بین دیپلمات‌ها و استادان و مجریان سیاست خارجی، امنیت ملی و نظامی آگاه در امر موضوع تحقیق که دارای تحصیلات حداقل کارشناسی ارشد بوده و از زمان تشکیل پرونده هسته‌ای تا سال ۱۳۹۲ به‌طور پیوسته یا دست‌کم سه سال (مدت تقریبی یک مأموریت ثابت) در این موضوع دخیل بوده‌اند، انتخاب شده و تعداد آن بالغ بر ۱۸۰ نفر است:

ردیف	حوزه فعالیت	تعداد/ نفرات
۱	کارشناسان شورای عالی امنیت ملی در حوزه هسته‌ای و آگاه به نقش چین	۱۰
۲	کارشناسان عالی و خبرگان مرتبط در وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران	۲۵
۳	دیپلمات‌های ایران در کشور چین از سال ۱۳۸۲ تاکنون به‌ویژه وابستگان نظامی	۲۵
۴	دیپلمات‌های ایران در سازمان ملل و مقر اروپایی سازمان ملل	۱۰
۵	دیپلمات‌های ایران در سازمان انرژی اتمی	۱۰
۶	کارشناسان عالی و خبرگان امر در سازمان انرژی اتمی ایران	۱۰
۷	کارشناسان عالی و خبرگان امر در وزارت دفاع	۲۰
۸	استادان و دانشجویان مرتبط با موضوع در دعا، دانشگاه مالک اشتر و امام حسین (ع)	۲۰
۹	مسئولان عالی و خبرگان مرتبط از آجا از جمله معاونت اطلاعات	۱۵
۱۰	مسئولان مرتبط و خبرگان در وزارت اطلاعات	۵
۱۱	صاحب‌نظران و خبرگان مرتبط با موضوع	۱۰
	جمع جامعه آماری	۱۸۰

نمونه آماری:

الف - با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران و احتساب مفروضه‌های این فرمول که در آن $p=q=0.5$ و $d=0.05$ و $t=1.96$ است، محاسبه می‌شود.

$$n = \frac{\frac{t^2 p}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 p}{d^2} - 1 \right)}$$

با توجه به حجم جامعه آماری، حجم نمونه تقریباً $122/81$ حاصل شده که تعداد 123 نفر منظور گردید.

ب - با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و به صورت تصادفی، اعضای جامعه نمونه از بین جامعه آماری انتخاب گردید.

ج - به دلیل محقق‌ساخته بودن پرسشنامه، روایی سنجه از طریق صوری مورد تأیید نخبگان مرتبط با موضوع قرار گرفت و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها نیز از طریق آلفای کرونباخ (0.93) محاسبه شد که حاکی از اعتبار بالا و پذیرفتنی پرسشنامه است.

Reliability Coefficients

N of Cases = 110.0 N of Items = 20 Alpha = .9348

تجزیه و تحلیل

در یک جمع‌بندی از مجموع بیست سؤال بسته می‌توان به خوبی به رویکرد چین به موازنه نرم پی برد.

سؤال	موضوع	درصد
۱	استفاده چین از حق وتوی خود علیه غرب؛ چه میزان متأثر از محاسبات راهبردی و سیاست داخلی خود بوده است؟	۹۱/۸
۲	در روابط راهبردی چین و غرب به چه میزان راهبرد تعامل جایگزین راهبرد مهار شده است؟	۹۰
۳	غرب به‌ویژه آمریکا چه میزان در مباحث اقتصادی و تجاری سازمان‌یافته با چین در رقابت هستند؟	۸۵/۴
۴	چین چه میزان با غرب به‌ویژه آمریکا در مباحث مرتبط با مدیریت امور بین‌الملل، مانند امور هسته‌ای ایران همکاری می‌کند؟	۷۸/۲

۸۲/۷	تداوم همکاری چین با ایران، چه میزان متأثر از نگرانی چین از این مطلب است که در آینده غرب ممکن است در مسیرهای دسترسی چین به انرژی اخلال ایجاد کند؟	۵
۶۴/۵	رهبری چین چه میزان در صدد به چالش کشاندن منافع راهبردی غرب به‌ویژه آمریکا است؟	۶
۶۷/۳	هسته‌ای شدن ایران چه میزان به نفع منافع راهبردی چین است؟	۷
۸۰/۹	تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، چه میزان تداوم راهگشای شرکت‌های چینی در ایران است؟	۸
۸۶/۴	کشور چین چه میزان با ایران همکاری هسته‌ای دارد؟	۹
۷۸/۲	تداوم تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، چه میزان به نفوذ چین در ایران کمک می‌کند؟	۱۰
۹۰	کشور چین چه میزان از هسته‌ای شدن کشور ایران استقبال می‌کند؟	۱۱
۸۸/۲	تاکنون در بحث اعمال فشار بر کشور ایران در حوزه هسته‌ای، چین به چه میزان با غرب همراه شده است؟	۱۲
۹۳/۶	سیاست اصلاحات و درهای باز در چین؛ چه میزان باعث دوری منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی شده است؟	۱۳
۸۷/۳	اقتصاد در سیاست نوین چین به چه میزان حائز اهمیت است؟	۱۴
۸۲/۸	چین در تعاملات تنش‌آلود ایران و غرب به‌ویژه آمریکا، به چه میزان تاکنون تلاش نموده تا نقش موازنه‌گرانه را ایفا کند؟	۱۵
۸۰/۹	مقامات چینی چه میزان خواستار انعطاف ایران در روابط راهبردی خود با غرب برای تأمین منافع ایران در صحنه بین‌المللی هستند؟	۱۶
۸۱/۸	غرب و آمریکا چه میزان در تلاشند تا چین خارج از مباحث شورای امنیت روابط خود با ایران را تنظیم نکنند؟	۱۷
۷۳/۷	نگاه و فهم مشترک امنیتی بین مسئولان ایرانی و چینی چه میزان وجود دارد؟	۱۸
۸۰	هماهنگی هوشمندانه دیپلماتیک بین ایران و چین در مقابله با آمریکا چه میزان وجود دارد؟	۱۹
۸۳	نقش وابستگان نظامی جمهوری اسلامی ایران در هماهنگی هوشمندانه دیپلماتیک چه میزان است؟	۲۰

بحث و نتیجه گیری

قابلیت و برنامه‌های چین؛ بر تحولات منطقه و حتی تأثیری ژرف داشته و همواره توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است. روابط دو کشور ایران و چین طی دوره‌های مختلف تاریخ، دچار فراز و فرودهایی شده و به جایگاه کنونی رسیده است. با توجه به ظرفیت‌های موجود در گسترش روابط بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، مانند گذشته این همکاری و رابطه در سطوح مختلف به شکل گسترده‌تری ادامه خواهد یافت. چین به‌عنوان یکی از اعضای دائمی شورای امنیت که از حق و تو برخوردار است و در ضمن در میان قدرت‌های بزرگ نزدیک‌ترین روابط را با جمهوری اسلامی ایران داراست، یکی از تأثیرگذارترین قدرت‌ها در پرونده هسته‌ای ایران تلقی می‌گردد. روابط ایران با چین به‌گونه‌ای روزافزون در کلیت سیاست خارجی ایران اهمیت می‌یابد. برخی هم‌پوشانی‌ها در سیاست خارجی دو کشور، مبادلات اقتصادی و نظامی و همکاری در حوزه انرژی، عوامل توسعه‌بخش روابط دو کشورند. از دیگر سو، انتخاب راهبردی چین و روابط همکاری جویانه این کشور با قدرت‌های غربی، عوامل محدودکننده این روابط به شمار می‌آیند. موقعیت ژئوپلیتیک، منابع نفت و گاز، روحیه جهانی و جهان‌مداری و مبارزه با سلطه غرب به‌ویژه آمریکا از سوی جمهوری اسلامی ایران باعث شده است که بعد از انقلاب؛ غرب به‌ویژه آمریکا تهدیدات گسترده و روزافزونی را از جنگ گرفته تا تحریم‌های گوناگون، برای مقابله با پیشرفت‌های ایران از جمله پیشرفت چشم‌گیر در حوزه دستیابی به فناوری هسته‌ای طراحی و اجرا نماید. در شرایط کنونی کشور چین که جزو مهم‌ترین شرکای جمهوری اسلامی ایران در کلیه عرصه‌ها از جمله نظامی است؛ متناسب با جایگاه راهبردی و امنیتی و کد ژئوپلیتیک خود با ایران اسلامی در تعامل نزدیک است؛ از این رو به سبب بررسی میزان پاسخگویی این تعامل بر تهدیدات امنیتی - نظامی غرب در مناقشه غرب با جمهوری اسلامی ایران نویسندگان با اتکای نظری به نظریه موازنه نرم؛ این فرضیه را با استفاده از روش تحقیق توصیفی - علی مورد بررسی قرار دادند: «طی دو دهه اخیر کشور چین در عرصه فراملی، سه تلقی و راهبرد زیر را در پی گرفته است:

- مدیریت تنش با آمریکا و پرهیز از رویارویی به سبک روسی
 - اولویت شراکت و امنیت اقتصادی از طریق راهبرد پیوند
 - مسئولیت‌پذیری حقوقی در قبال مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در سطح جهان
- به اقتضای سه راهبرد بالا به نظر می‌رسد بنیادی‌ترین کارکرد و نقش چین در اقدامات ضد ایرانی آمریکا را می‌توان در تعدیل شدت عمل آمریکا و تضمین ملاحظات اقتصادی خلاصه نمود.» و پس از طرح بنیان‌های نظری بحث، شاخص‌های الگوی مفهومی ادبیات نظری را به‌منظور بررسی،

تأیید یا رد فرضیه اصلی در قالب یک پرسشنامه با اعتبار موردقبول «آلفای کرونباخ (۰/۹۳)» به ۱۲۳ نفر اعضای جامعه نمونه منتخب از ۱۸۰ نفر اعضای جامعه آماری متشکل از صاحب‌نظران این حوزه ارائه دادند. نتایج بحث در حوزه آماری کاملاً گویای این امر است که رویکرد راهبردی چین در رابطه با غرب؛ موازنه نرم با تأکید و اولویت بر حوزه اقتصاد بوده و کلیه تعاملات می‌باید بر این اساس تعریف شود. گرچه آرای اندیشمندان گویای خیزش آشکار چین طی یک یا دو دهه آینده است؛ اما نباید از نظر دور داشت که لازمه این خیزش را گسترش روابط امنیتی چین با غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا تعریف نموده‌اند؛ از این رو طبیعی است که در نگاه چینی به ایران نمی‌توان به‌جز هماهنگی هوشمندانه دیپلماتیک، همکاری‌های محدود نظامی، همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همکاری اقتصادی آن‌هم با ملاحظات خاص انتظار داشت که کلیه این موارد نیز عناصر موازنه نرم هستند.

Archive of SID

منابع

۱. خلیلی، رضا. (۱۳۸۳). «تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال هفتم، شماره ۲۳.
۲. قاضی زاده، شهرام و عباس طالبی فر. (۱۳۹۰). مناسبات راهبردی ایران و چین. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. مؤمنی، منصور و آذر، عادل. (۱۳۸۳). آمار و کاربرد آن در مدیریت (تحلیل آماری). جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران.
4. Bernstein, Richard and Munro, Ross. H. (1997). **The Coming Conflict with China**, New York.
5. Elman, Colin. (2002). **Introduction, In Realism and Balance of Power**, Prentice, Hall.
6. Garrison, Jean. (2005). **Making China Diplomacy: from Nixon to G.W. Bush**.
7. Ikenberry, G. J. and Thomas Wright (2008) *Rising Power and Global Institutions*. New York: The Century Foundation Report. Ikenberry, J. G. (2008). The Rise of China and the future of the West: Can the Liberal System survive? **Foreign Affairs**.
8. Kelly, Judith. (2008). " Strategic Non-Cooperation as a Soft Balancing ". **International Politics**.
9. Levy, Jack. (2004). "Balance and Balancing, Concepts, Propositions and Reserch Design ", in **Realism and Balance of Power**.
10. Mahbubani, Kishore (1995) The Pacific Impulse, **Survival**, Vol. 37, No1,
11. Pape, R. (2003). "Welcome to the Era of Soft Balancing", **Boston Globe** (23 March).
12. Paul, T.V. (2004) **The Enduring Axioms of Balance of Power Theory**, Stanford University Press.
13. Walt, Stephen (2005) **Keeping World Off Balancing: Self Restrain and US Foreign Policy**, Cornell University Press 2002.